

همه‌پرسی ۲۰۱۷ ترکیه و آینده ثبات سیاسی و دموکراسی

نسا زاهدی^۱ - سید ابراهیم سرپرست سادات^۲ - سعید امینی^۳

دریافت: ۱۳۹۶/۹/۱۸ - پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۲۰

چکیده

همه‌پرسی قانون اساسی ترکیه، دوران تازه‌ای در صحنه تحولات داخلی ترکیه به حساب می‌آید. با پیروزی شکننده حزب عدالت و توسعه در همه‌پرسی ۱۶ آوریل ۲۰۱۷، می‌توان مطالعه پیرامون این همه‌پرسی و تحولات ناظر به آینده دموکراسی در این کشور را مسأله‌ای دانست که ارزش بررسی بیشتری دارد. در این مقاله تلاش شده تا با استفاده از نظریه گردش نخبگان به عنوان چارچوب نظری، همه‌پرسی قانون اساسی ترکیه تحلیل شود. در این راستا سؤال محوری مقاله این است که همه‌پرسی قانون اساسی ترکیه چه تأثیری بر آینده دموکراسی و ثبات سیاسی در ترکیه می‌گذارد؟ بررسی‌های این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی، مبتنی بر منابع اسنادی این فرضیه را قوت بخشد که همه‌پرسی قانون اساسی اخیر ترکیه، آینده نظام سیاسی مبتنی بر گردش نخبگان این کشور را تضعیف و موجب می‌شود به واسطه آن فضای رقابتی برای سایر نخبگان غیرحکومتی مانند احزاب مخالف محدود شود، و آینده ثبات سیاسی و دموکراسی در این کشور با وضعیت مبهم و شکننده‌تر نسبت به گذشته روبرو باشد، همچنین آینده امنیت اجتماعی و سیاسی ترکیه، متزلزل‌تر از پیش به نظر آید.

واژگان کلیدی: همه‌پرسی قانون اساسی، گردش نخبگان، حزب عدالت و توسعه، دموکراسی، ثبات سیاسی.

n_zahedi@ ut.ac.ir
sarparastsadat@atu.ac.ir
saedAmini@gmail.com

۱. استادیار علوم سیاسی دانشگاه مفید قم (نویسنده مسئول)
۲. استادیار پژوهشی علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی
۳. کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه مفید قم

مقدمه

پویایی؛ یکی از مسائل کشورهای در حال توسعه است. در واقع در نظام‌های سیاسی که از پویایی لازم را ندارند، گردش‌نخبگان نیز به درستی اتفاق نمی‌افتد و نخبگان حاکم در این کشورها به محض این که قدرت را به دست می‌آورند تا مدت‌ها قدرت را در اختیار خود قرار می‌دهند و هرگونه اعتراض و رقابت سایر جریان‌های اپوزیسیون را به منزله تهدید تلقی کرده و برای صیانت از قدرت خود اقدام به سرکوب و تضعیف مخالف می‌کنند. حتی اگر در گذشته همین حزب و یا جریان نخبگی حاکم فعلی از طریق فرآیند دموکراتیک قدرت را به دست آورده باشد، اما چون ساختار نظام سیاسی این کشورها پویایی کامل را ندارند، بعد از سپری شدن یک موعده زمانی، نخبگان حاکم به هر طریقی به سمت حفظ قدرت خود پیش می‌روند و برای تضعیف سایر نخبگانی که برای کسب قدرت با او رقابت می‌کنند از اقدامات ممکن فروگذار نمی‌کنند. مواردی چون طولانی‌تر کردن مدت زمان ریاست جمهوری، مادام‌العمر کردن ریاست جمهوری، اصلاح قانون اساسی کشور مطابق با سلیقه و خواسته‌های نخبگان حاکم و... در واقع اگر چنین شرایطی در هر کشوری با ویژگی‌های مذکور رخ دهد، می‌توان گفت که گردش‌نخبگان در سطوح بالای سیاسی در این نظام‌ها کارکرد صحیحی ندارد. هدف این مقاله بررسی وضعیت پویایی با گردش‌نخبگان سیاسی، حکومتی و غیر حکومتی ترکیه بعد از همه‌پرسی قانون اساسی اخیر است.

همه‌پرسی یکی از راه‌های مسالمت‌آمیز و منطبق با اصول دموکراسی در خصوص تغییر وضعیت موجود در ساختار سیاسی و حکومتی وی یا حتی تنظیم‌کننده خط مشی آینده سیاست خارجی یک کشور به حساب می‌آید. همه‌پرسی اخیر ترکیه در مورد اصلاح قانون اساسی این کشور، به عنوان رخدادی مهم از زمان حیات آتاتورک به این سو، برای ترکیه قلمداد می‌شود. همه‌پرسی ترکیه شاید به ظاهر قانون اساسی این کشور را که میراثی به جای مانده از زمانی که ارتش و کمالیست‌ها آن را تدوین کرده بودند، اصلاح می‌کند. اما در واقعیت چیز دیگری از این همه‌پرسی می‌توان به دست آورد و آن هم تقابل جریان‌های فکری و سیاسی مختلف برای تغییر و حفظ وضع موجود است.

حزب عدالت و توسعه در سال‌های اخیر به ویژه بعد از تشدید بحران در سوریه، ملغی شدن پیمان صلح موقت میان دولت با پ.ک.ک و همچنین از همه مهم‌تر، کودتای نافرجام اخیر این

کشور، به صورت جدی پیگیر تغییر اوضاع کنونی ترکیه برآمده است. در واقع رجب طیب اردوغان، به دنبال حفظ و ادامه قدرت خود و تثبیت جایگاه حزب مطبوعش است. این همه‌پرسی برای حزب عدالت و توسعه، نتیجه چندان مطلوبی ندارد. اول این که این همه‌پرسی در شرایطی برگزار شد، که دولت شرایط سختی را برای احزاب مخالف نظیر حزب دموکراتیک خلق‌ها (HDP)^۱ و همچنین حزب جمهوری‌خواه خلق (CHP)^۲ ایجاد کرده بود. دوم این که دولت عدالت و توسعه شرایط کاملاً امنیتی را در مناطق کرد نشین ترکیه و تحت تأثیر فضا شرایط فعلی سوریه و منازعه با پ.ک.ک حاکم کرده است و سوم این که نتیجه همه‌پرسی بسیار شکننده بود و حتی می‌تواند مانع جدی بر سر راه اعمال اصلاحات مدنظر اردوغان و حزب وی شود.

حزب عدالت و توسعه در سال‌های اخیر، به ویژه بعد از تحولات داخلی کشورهای عرب منطقه مانند: سوریه و عراق، کاملاً تغییر موضع داده و از سیاست تنش‌زدایی هم از جنبه داخلی و هم خارجی فاصله گرفته است. این حزب که در ابتدا خود را پایبند به اصول دموکراتیک معرفی کرده بود و در تبلیغات انتخاباتی و سایر اعلام‌های رسمی، خود را طرفدار و پایبند اصول دموکراسی معرفی کرده بود، اما بعد از این که قدرت را به دست گرفت، همچنان در قدرت باقی ماند، یعنی از سال ۲۰۰۲ تا به امروز این حزب، همچنان تمام قدرت نهادهای قدرت را در اختیار گرفته و سایر نهادهای مخالف مانند ارتش را تضعیف کرده است، تا نتواند اقداماتی از قبیل کودتا و سایر اقدامات تضعیف کننده علیه دولت عدالت و توسعه انجام دهند، آیا می‌توان همه‌پرسی اخیر را هم در این راستا تحلیل و بررسی کرد؟

چارچوب نظری گردش نخبگان^۳

نظریه نخبه‌گرایی از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی در اروپا و ایالات متحده آمریکا در نوشته‌های سیاسی - اجتماعی محققان با گستردگی مطرح شد و در سال‌های بین دو جنگ جهانی متأثر از نظرات پاره تو^۴ و موسکا^۵، تمامی مراکز آموزشی و تحقیقاتی ایتالیا را در بر گرفت. تجربه‌های تاریخی نشان می‌دهد که ترقی و تعالی یا سقوط و فروپاشی هر مملکتی به

1. Halkların Demokratik Partisi
2. Cumhuriyet Halk Partisi
3. Circulation of Elites
4. Vifredo Pareto(1848 – 1923)
5. Mosca

نقش نخبگان سیاسی وابسته است و اندیشه و تفکر آن‌ها در اجرای برنامه‌های سیاسی، اجتماعی و چگونگی تحقق خواسته‌های مردم به میزان تعیین‌کننده و سرنوشت‌سازی موثر است (کیاکجوری، ۱۳۹۵: ۱۰۵).

جامعه مطرح شده مدنظر پارتو یک سیستم متعادل است. که فرآیند تغییر، به نیروهای متحرک متمایل می‌شود تا کاری با هدف بازگرداندن و حفظ تعادل اجتماعی صورت پذیرد. پارتو ادعا می‌کند که دو نوع طبقه نخبه در جامعه وجود دارد: نخبگان حکومتی و نخبگان غیر حاکم. نخبگان حکومتی افرادی هستند در رأس هرم قدرت و تمامی ابزارهای تولید ثروت و اعمال قدرت را در اختیار دارند. که نخبگان غیر حاکم، گروهی هستند، منتقد و خواهان تغییر وضعیت موجود و برای کسب قدرت به رقابت با نخبگان حکومتی می‌پردازند (Alexander, nationalvanguard.org: (2015)).

پارتو نظریه گردش نخبگان را اولین بار در اثر برجسته خود به نام «ظهور و سقوط نخبگان» مطرح کرده است. پارتو به عنوان طراح نظریه نخبه‌گرایی و همچنین گردش نخبگان اعتقاد دارد؛ افرادی که به طبقات پایین تعلق دارند ممکن است موفق شوند تا به نخبگان موجود بیوندند و این افرادی که، زمانی جزئی از اقشار پایین بودند بعد از مدتی گروه نخبگان تازه‌ای را تشکیل می‌دهند. در واقع نویسندگان برجسته در حوزه نظریه گردش نخبگان دو نوع دسته‌بندی را برای گردش نخبگان ذکر کرده‌اند (Bottomore, 1993: 49):

الف- گردش بین دسته‌های مختلفی از نخبگان حکومتی؛

ب- گردش بین نخبگان و بقیه مردم.

پارتو در این نظریه اقتدار و حاکمیت ارثی نجبا و اشراف را مورد تردید قرار داده است و اعتقاد داشت که اقتدار یا حاکمیت فقط به اشخاصی که از لحاظ کیفی و هم از لحاظ عینی برتر هستند تعلق می‌گیرد، طبق این نظریه یکی از مهم‌ترین شرط گردش نخبگان وجود جامعه باز است، در واقع می‌توان گفت که گردش نخبگان و جامعه باز، لازم و ملزوم یکدیگرند و بدون وجود یکی، مورد دیگر نمی‌تواند وجود داشته باشد یا معنا پیدا کند (ولی‌زاده، ۱۳۹۴: ۲).

در واقع ما نخبگان سیاسی، اقتصادی، علمی و فرهنگی داریم که هر کدام از این نخبگان باید پویایی خود را حفظ و آن را ادامه دهند. در جوامع بسته، نخبه‌گرایی فقط به طبقه حاکم محدود شده است. یعنی ثروت و سرمایه، قدرت و اعمال قدرت، نهادهای فرهنگی و سایر مراکز علمی

در اختیار طبقه حاکم است. در نتیجه سایر اقشار و سایر گروه‌ها در یک شرایط ناعادلانه از رسیدن به جایگاه بهتر در سیستم سیاسی یک کشور محروم می‌شوند. در این نوع نظام‌های سیاسی، که گردش نخبگان در سطوح عالی سیاسی کار ویژه و صحیحی ندارند، شاهد ضعف تعادل سیستم سیاسی هستیم و نخبگان متعلق به طبقات پایین جامعه که برای کسب قدرت در شرایط رقابت نابرابر با طبقه حاکم، از سیستم سیاسی حذف شده‌اند؛ برای تحقق اهدافشان راه‌های دیگر را انتخاب می‌کنند. که ممکن است ثبات سیاسی-اجتماعی کشور را با بحران روبرو کنند و دست به اعتراضات گسترده‌ای بزنند. این اعتراضات از طریق تظاهرات و سرپیچی از خواسته‌های نخبگان حاکم و رودرویی با نظام سیاسی به نمایش گذاشته می‌شود. در واقع این وضعیت منعکس کننده نتیجه اقدامات متهورانه نخبگان حاکم است که در مقابل درخواست‌های مشروع سایر گروه‌ها و نخبگان مقاومت نشان داده و به سرکوب آن‌ها مبادرت ورزیده‌اند.

گردش نخبگان سیاسی به لحاظ حساسیت و نقش تعیین کننده‌ای که در سلامت نظام سیاسی و مدیریتی به منظور تحقق اهداف و آرمان‌های نظام دارد، از اهمیت ویژه‌ای برای ایجاد ثبات سیاسی برخوردار است. نظر به اهمیت این موضوع، همواره دو بستر برای ورود عناصر سیاسی و یا نخبگان سیاسی در یک نظام مبتنی بر گردش نخبگان آشکار است: بستر اول، از راه انتخابات که در صورت موفقیت در جریان انتخابات و ورود به عرصه سیاسی و اجرایی، بسیاری از منصب‌های دولتی از صدر تا ذیل در حوزه قدرت، سیاست و هدایت آن‌ها قرار می‌گیرد. بستر دوم، برای اثر بخشی بر نظام سیاسی و یا ورود در آن این است که چنان که جناح‌ها و تشکل‌های سیاسی نتوانند در عرصه رقابت‌های انتخاباتی پیروزی به دست آورند، تلاش می‌کنند از طریق واسطه یا مراوده با نخبگان حاکمیت، عناصر خود را در دستگاه‌ها و نهادهای سیاسی حکومت نفوذ دهند تا منافع و مواضع این گروه‌ها تأمین شود (ملکوتیان، غلامی‌نیا، ۱۳۹۴: ۱۲۶).

شاخص‌های ثبات سیاسی در نظام‌های مبتنی بر گردش نخبگان

ثبات سیاسی هر شکلی از حکومت باید به صورت پایدار، تحقق ثبات ذات سیاسی آن شکل حکومت را شامل شود (AKONGDIT, 2013: 2). ثبات سیاسی از مهم‌ترین اهداف هر نظام سیاسی است. این هدف از مهم‌ترین غرایز هر نوع حکومتی است. یعنی این رفتار مشترکی است

که حکومت‌های دیکتاتوری، سوسیالیست، لیبرالیسم و... به دنبال تحقق و حفظ آن است. در واقع نظام‌های سیاسی تحت لوای ثبات سیاسی هستند که می‌توانند پروژه‌های داخلی و بین‌المللی خود را پیگیری کنند. بنابراین برای اثبات اهمیت ثبات سیاسی، در پی آن هستیم تا شاخص‌هایی را مطرح کنیم که در یک نظام مبتنی بر گردش نخبگان این شاخص‌ها تضمین کننده بقای سیاسی یک نظام نخبه‌گرا است.

الف - مشروعیت سیاسی

مشروعیت سیاسی یک عامل کلیدی در حفظ ثبات سیاسی است. حکومت‌هایی که دارای مشروعیت سیاسی باشند از سوی مردم مورد پذیرش واقع شده و کمتر مورد اعتراض و تهدید قرار می‌گیرند. در نظام‌های باثبات، نهادها و فرآیندهای سیاسی، دارای مشروعیت هستند. حکومت‌ها از قدرت سیاسی برخوردار بوده‌اند و تصمیمات آن‌ها مورد پذیرش واقع می‌شود اما این پذیرش به سبب قدرت سیاسی حکومت نیست، بلکه در نظام‌های مشروع، شهروندان این مسئله را پذیرفته‌اند که حکومت‌ها دارای اختیار برای اتخاذ چنین تصمیماتی هستند زیرا خود مردم حکومت را از طریق فرآیند انتخابات آزاد انتخاب کردند (Allan, 1993: 244).

ب - غلبه بر شکاف‌های اجتماعی و سیاسی

مسئله شکاف‌های اجتماعی و سیاسی نیز بسیار با اهمیت است. در هر جامعه‌ای که این شکاف‌ها کمتر باشد، آن جامعه از آسیب‌پذیری و تهدیدزایی کمتری برخوردار است. بی‌تردید کشوری که از شکاف‌های اجتماعی کمتری دارد، از امنیت بیشتری برخوردار خواهد بود. امروزه متأسفانه برخی از اقدامات مانند اقدامات حساب نشده اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می‌تواند این شکاف‌ها را عمیق‌تر کند. برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی کشور می‌تواند این شکاف‌ها را به تدریج از بین ببرد و یا بالعکس شکاف‌ها را تبدیل به گسل کند (روحانی، ۱۳۸۰: ۱۳). بنابراین برای غلبه بر شکاف‌های اجتماعی و سیاسی، برخورداری افراد از حقوق به نسبت برابر سیاسی باعث ترمیم شکاف‌های موجود اجتماعی و سیاسی می‌شود که در نهایت به استقرار یک نظام دموکراتیک با ثبات کمک می‌کند (قوام، ۱۳۸۹: ۵۹).

پ- وحدت ملی

انسجام نیز شالوده و اساس نظام مدیریت امنیت ملی را شکل می‌دهد. اولویت‌بندی منافع ملی و نیز سازو کارهای نرم‌افزاری امنیت ملی، به درجه انسجام در درون نظام وابسته است. ناتوانی نظام سیاسی در یک‌پارچه کردن گروه‌های متعدد و متنوع اجتماعی، زمینه را برای تهدیدات امنیتی جدید، پاره‌افزایی در ساختار کلان نظام سیاسی و تضعیف ظرفیت سیاسی نظام فراهم می‌کند. متغیر یکپارچگی در جهان سوم، به دلیل ماهیت سیال و سرایت‌کننده حرکت‌های اجتماعی گریز از مرکز، فوق‌العاده مهم است (آذر و این‌مون، ۱۳۷۷: ۴۱).

عاملی که باعث می‌شود انسجام و وحدت ملی دوام و معنا پیدا کند، هویت ملی است. در واقع هویت ملی مجموعه‌ای از گرایش‌ها و نگرش‌های مثبت را نسبت به عوامل، عناصر و الگوهای هویت‌بخش و یک‌پارچه‌کننده در سطح یک کشور، به عنوان یک واحد سیاسی به وجود می‌آورد. به عبارت دیگر نوعی احساس تعهد و تعلق عاطفی نسبت به اجتماع ملی در فرد ایجاد می‌کند که موجب وحدت و انسجام یک جامعه می‌شود. لذا هویت ملی را می‌توان عنصر ذهنی وحدت ملی دانست، عنصری که دستیابی به اتحاد و وحدت ملی بدون وجود آن امکان‌پذیر نیست. هویت ملی با بهره‌گیری از توانایی‌های نمادین خود نظیر زبان، دین، گذشته تاریخی و... وفاق اجتماعی و وحدت ملی را تأمین می‌سازد. در واقع هویت ملی از مفاهیم بسیار فراگیر و در عین حال مشروعیت‌دهنده به نظم سیاسی - اجتماعی است و وحدت و انسجام درونی یک واحد سیاسی را در پی دارد (قاسمی و ابراهیم‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۱۵).

ت- بسط رقابت عادلانه احزاب و مشارکت آزادانه طبقات مختلف اجتماعی

در نظام‌های باز و دموکراتیک، در پرتو انبساط درون‌زای ساخت سیاسی و تکوین و گسترش بسترهای رقابت نهادینه در قالب تشکیل احزاب سیاسی، فعالیت‌های گروه‌های ذی‌نفوذ و برگزاری انتخابات ادواری در سطوح ملی و محلی، مکانیسم‌های توسل به تضاد و رفتارهای غیررقابتی به شدت محدود می‌شود. در حالی که افزایش کنترل حکومت بر منابع قدرت سیاسی، احتمال رقابت سیاسی در بین گروه‌های مختلف را کاهش داده و به میل رفتار سیاسی قدرت‌مدارانه و اصلاح‌طلبانه به سوی رفتار انقلابی، رادیکال و خشن منجر می‌شود. بنابراین یکی از روش‌های گریز از تضاد و میل به رقابت نهادمند که نتیجه آن افزایش ثبات سیاسی است، تمهید و تدارک

مکانیسم‌های سیاسی، حقوقی و فرهنگی برای جذب و ترغیب فعالان و رقبای سیاسی به رقابت در چارچوب نظام (مبارزه در رژیم) از طریق انبساط ساخت سیاسی است (بشیریه، ۱۳۷۴: ۲۵۵).

نخبه‌گرایی در ترکیه نوین: تقابل نخبگان حکومتی و غیرحکومتی

ترکیه نوین از زمان تولد در ۱۹۲۳ تحت تأثیر سیاست‌های نخبگان حاکم که گرایش‌تند غرب‌گرایانه و لائسیسته در آن‌ها موج می‌زد قرار داشت. صحنه سیاست ترکیه در حوزه داخلی و خارجی نتیجه عملکرد معمار ترکیه نوین، آتاتورک است. او با اتخاذ سیاست‌های غرب‌گرایانه و سکولارمآبانه در صدد زدودن هرگونه آثاری از اسلام به جای مانده از امپراتوری عثمانی از چهره ترکیه بوده است. او برخوردی مصمم در برابر کسانی که به انجام چنین اصلاحاتی از سوی وی، معترض بودند داشت. به گونه‌ای که از هرگونه سرکوب و تضعیف احزاب و نخبگان غیرحکومتی مخالف، امتناع نمی‌ورزید. آتاتورک تمام نهادهای اسلامی، علما و وعاظ را تحت کنترل خود در آورد. در این مسیر وی از ارتش، در راستای تحقق اهدافش استفاده کرده و به وسیله نیروهای نظامی مخالفت‌ها و اعتراضات را فرو می‌نشاند. وی با تک حزبی کردن فضای سیاسی ترکیه، به نوعی دیکتاتوری حزبی خود را در این کشور به نمایش گذاشت. او با تأسیس حزب جمهوری‌خواه خلق، فضای رقابتی در صحنه سیاسی ترکیه را برای سایر جریان‌های اسلامی و غیراسلامی سلب کرد (اکتم، ۱۳۹۵: ۸۳).

پیامد دولت تک حزبی، جامعه‌ای را کد بود که دولت بر تمام بخش‌های آن، از اقتصاد و فرهنگ تا سیاست و از ارتش و بوروکراسی تا قوه مقننه و مجریه، چیره شده بود. همه آن‌ها یک هدف را دنبال می‌کردند: «رسیدن به تمدن معاصر»، اما در واقع به منظور خلق جامعه‌ای به سبک اروپایی، درگیر کنترل اجتماعی کامل در چارچوب یک دیکتاتوری بودند (اکتم، ۱۳۹۵: ۸۴-۸۳). بعد از مرگ آتاتورک، اینونو قدرت را به عنوان رئیس جمهور به دست گرفت. وی به عنوان رئیس‌جمهور و رئیس حزب جمهوری‌خواه خلق انتخاب گردید. اینونو فاقد کاریزمای کمال آتاتورک بود، لذا عناوین «قائد ملی» و «رئیس دایمی» حزب را اتخاذ کرد و رژیم صورت فاشیستی به خود گرفت. که به خوبی توسط شعار حزبی «یک حزب، یک ملت، یک رهبر» توصیف شد. و در دوران اینونو دولت حتی شدیدتر از گذشته، در همه جنبه‌های زندگی ترک‌ها مداخله می‌کرد (موثقی، ۱۳۸۰: ۱۷۲). عصمت اینونو به عنوان رئیس‌جمهور ترکیه تا

سال ۱۹۵۰ قدرت را در دست داشت اما این دوره ریاست جمهوری وی همانند دوران آتاتورک مستبدانه و اقتدارگرایانه بود.

با پایان جنگ جهانی دوم و فروپاشی نظام‌های فاشیستی تغییراتی در ساختار سیاسی ترکیه به وقوع پیوست که نخبه‌گرایی و حکومت نخبگان وارد مرحله تازه‌ای در صحنه رقابت‌های سیاسی جمهوری ترکیه شدند. از آنجایی که کمالیست‌ها همانند بنیان‌گذار ترکیه نوین رویای سر تا پای اروپایی شدن و تلاش برای پذیرفته شدن از جانب دولت‌های غربی به عنوان یک کشور اروپایی را در سر می‌پروراندند، با اعمال یک سری اصلاحات در ساختار سیاسی ترکیه، می‌خواستند خود را همسو با غرب نشان دهند.

در طی سال‌ها ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۳ به منظور احراز جایگاه خود در میان دموکراسی‌های غربی، ترکیه نظامی چند حزبی را برگزید. از آن‌جا که حزب جمهوریت خلق برای تداوم سلطه کمالیستی خود از پشتیبانی مردمی چندانی برخوردار نبود، دفاع از رژیم (کمالیسم) به اولویت ارتش در نظامی چند حزبی مبدل شد. نظامی که در آن تنش مداومی بین مسئولان منتخب و پاسداران غیر منتخب نظامی و غیرنظامی رژیم بود. احزاب سیاسی همزمان ناگزیر به بازی در دو میدان انتخابات و رژیم بودند. در بازی انتخاباتی، احزاب در پی حداکثر سازی آراء و کرسی‌های خود در برابر احزاب رقیب هستند، در حالی که در بازی رژیم، دغدغه اصلاح رژیم موجود را دارند.

تمامی احزاب محافظه‌کار راست میانه، از قبیل حزب دموکراتیک، حزب عدالت، حزب مام وطن و اکنون نیز حزب عدالت و توسعه، همزمان در این بازی دو گانه درگیر بوده‌اند. هر زمان که حزب مدافع رژیم، جمهوریت خلق به این نتیجه می‌رسید که قادر به کسب قدرت از راه بازی انتخاباتی نیست، با پدید آوردن بحرانی در رژیم هدف سلب مشروعیت از احزاب راست میانه را دنبال می‌کند (یاووز، ۱۳۹۱: ۵۸). بنابراین با استفاده ابزاری حزب کمالیست جمهوری خواه خلق، از نام آتاتورک و همچنین با حمایت مقتدرانه ارتش، که خود را پاسدار قانون اساسی سکولار ترکیه می‌دانست، کودتاهای ۱۹۶۰، ۱۹۷۱، ۱۹۸۰ و ۱۹۹۷ به وقوع پیوستند که وجود این کودتاها باعث شده تا ترکیه را به عنوان سرزمین کودتاهاى مختلف معرفی کنند. در واقع رخ دادن چنین کودتاهایی، نشان دهنده ضعف سیستم حکومتی مبتنی بر گردش نخبگان در این کشور است. که حزب کمالیست جمهوری خواه خلق و حامی نظامی آن،

نمی‌توانستند مشاهده کنند که سایر احزاب رقیب در یک سیستم انتخاباتی چند حزبی، قدرت را به دست بگیرند و نقش و جایگاه حزب جمهوری خلق را به عنوان اولین حزب سیاسی تأسیس شده در تاریخ ترکیه و همچنین نقش و اثرگذاری ارتش را در سیاست تضعیف کنند. بنابراین این سیستم سیاسی که به ظاهر خواهان دموکراسی و مبتنی بر رقابت‌های حزبی است، به هیچ‌وجه کارکرد صحیحی نداشته است (تحلیل نگارنده).

زمانی که احزاب و یا نخبگان غیرحکومتی اپوزیسیون که بیشتر آن‌ها از احزاب اسلام‌گرا بوده‌اند، به انتقاد از وضع موجود برآمدند، با سرکوب، انحلال و بازداشت مواجه شدند. با نگاهی به این وضعیت می‌توان به این مهم دست یافت که وضعیت در دوران پس از آتاتورک با این که اصلاحاتی در ساختار سیاسی ترکیه به وجود آمده است، تفاوتی با دوران آتاتورک نکرده بود. چون در دوران آتاتورک، سایر نخبگان متعلق به جریان‌های سیاسی مختلف به ویژه جریان‌ات اسلام‌گرا، از هرگونه فعالیت سیاسی و اجتماعی مغایر با روح لائیک رژیم سیاسی محروم بودند، این وضعیت در دوران پس از آتاتورک هم ادامه یافت. با این تفاوت که در دوران آتاتورک فقط یک حزب وجود داشت ولی در دوره جدید با توجه به تغییر شرایط بین‌المللی و تلاش کمالیست‌ها برای کسب رضایت غربی‌ها و به نمایش گذاشتن چهره اروپایی ترکیه در عرصه بین‌المللی در سال ۱۹۴۶ نظام چند حزبی را جایگزین نظام تک حزبی کردند. اما این نظام چند حزبی کارکرد درستی نداشته است و تا زمانی که سایر احزاب در راستای صیانت از قانون اساسی سکولار و آرمان‌های آتاتورک بودند، اجازه فعالیت داشتند. اما این تعهد نمی‌توانست برای احزاب اسلام‌گرا دائمی باشد، چون بیشتر جمعیت ترکیه مسلمان بود و گرایش شدیدی به اسلام داشتند و خواستار حفظ هویت و فرهنگ اسلامی خود بوده‌اند. ولی قانون اساسی ترکیه و جهت‌گیری‌های کمالیست‌ها این خواسته آن‌ها را نادیده می‌گرفت و به دنبال آن احزاب اسلام‌گرا خواهان تغییر در این نوع سیستم بودند. ولی بلافاصله با کودتا مواجه می‌شدند که در این دوره شاهد دیکتاتوری نخبگان کمالیست هستیم (موثقی، ۱۳۸۰: ۱۷۶).

انتخابات ۲۰۰۲ ترکیه و قدرت‌یابی نخبگان سیاسی اسلامی

انتخابات پارلمانی ۲۰۰۲ ترکیه باعث شد تا حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه، دو سوم کرسی‌های مجلس ملی را از آن خود کند. حصول چنین نتیجه‌ای برای اسلام‌گرایان، فرصتی

طلایی به شمار می‌رفت تا بتوانند به بازسازی قدرت خود در مقابل حزب رقیب و کمالیست جمهوری خلق بیاورند. این انتخابات واکنش طبقات محروم و اسلام‌گرا به وضعیت نامساعد اقتصادی و سیاسی حاکم بر کشور بود. این طبقات از مشارکت واقعی در سیاست محروم بودند. چون هر حزب اسلام‌گرا و یا غیر اسلامیکه توسط مردم به قدرت می‌رسیدند، بعدها توسط ارتش و حمایت حزب جمهوری خلق به بهانه ضدیت با آرمان‌های آتاتورک و ضدیت با قانون اساسی از قدرت ساقط می‌شدند (تحلیل نگارنده).

بر اساس نظریه پاره‌تو، هنگامی که طبقات به صورت بسته و انعطاف‌ناپذیر باشند، افراد شایسته و مستعد طبقات پایین، امکان دسترسی به مقامات بالای جامعه و مدیریت را نخواهند داشت. پس علیه نظم اجتماعی به پا می‌خیزند تا آن را سرنگون سازند و برای رسیدن به این هدف بر توده‌ها تکیه می‌زنند و به آنان یاری می‌رسانند که خواسته‌های خود را با ملایمت یا خشونت بیان کنند (دوورژه، ۱۳۸۷: ۱۲۹). بنابراین حزب عدالت و توسعه که با شعار میانه‌روی، طرفداری از اقتصاد بازار آزاد لیبرالی، بهبود وضعیت اقتصادی، تلاش برای عضویت در اتحادیه اروپا و حمایت از حقوق بشر قدرت را به دست گرفت. که در همان ابتدای کار دولت گروه‌های راست‌گرا شامل اسلام‌گراها، اصلاح‌طلبان، اسلام‌گرا، محافظه‌کاران، ملی‌گراها، راست‌های میانه و طرفداران تجارت، بدنه اجتماعی حزب عدالت و توسعه را تشکیل دادند. حزب عدالت و توسعه برای در امان نگاه داشتن خود از هر گونه کودتایی از جانب ارتش و کمالیست‌ها، در اهداف کاری خود دو اولویت مهم را قرار داد که اول تثبیت جایگاه این حزب و دوم تضعیف نقش ارتش و حامیان آن بوده است که در ادامه به آن می‌پردازیم.

رهبران حزب عدالت و توسعه برای تثبیت جایگاه خود و کاهش خطر کودتا از سوی ارتشیان، در سیستم ناپایدار دموکراتیک ترکیه، بسیار محتاطانه عمل کرده‌اند. زیرا حزب عدالت و توسعه با تجربه‌ای که از سرنوشت اسلاف خود مانند حزب رفاه به ریاست نجم‌الدین اربکان کسب کرده بود، به دنبال بقاء و ادامه حیات سیاسی خود در این سیستم بسته گردش‌نخبگان بوده است. در واقع نظام گردش‌نخبگان ترکیه، نظامی باز به حساب نمی‌آید. چون در این نظام تنها نخبگانی می‌توانند دوام بیاورند که بتوانند قدرت همراه کردن توده‌ها، سرکوب مخالفان، جلب حمایت ارتش، ثابت کردن وفاداری خود به آرمان‌های نظام لائیک و عدم ایجاد یک دولت مذهبی منبعث از اسلام را داشته باشند. بنابراین حزب عدالت و توسعه در همان ابتدای

سال‌هایی که قدرت را در دست گرفت، باید تمام طیف‌های اسلام‌گرا، ملی‌گرا و کمالیست‌ها را با خود همراه می‌ساخت. این دوره بسیار برای رهبران حزب عدالت و توسعه، دوره‌ای مهم به حساب می‌آمد و نمی‌خواستند اقدامی انجام دهند که با واکنش ارتش و کمالیست‌ها مواجه شود (اقبال، ۱۳۹۴).

دوران حاکمیت حزب و عدالت و توسعه، با تمامی موانعی که بر سر راه این حزب بود توانست دستاوردهای مثبت بسیاری در عرصه‌های داخلی و خارجی همانند: بهبود شرایط اقتصادی و بهبود وضعیت اکراد را برای این حزب به ارمغان آورد. اما بعد از این که این حزب توانست جایگاه خود را در عرصه سیاسی این کشور تثبیت کند، انجام اصلاحات در این کشور به ویژه اصلاح در ساختار سیاسی ترکیه در اولویت اساسی این حزب قرار گرفت. در واقع رجب طیب اردوغان اکنون به قدرتمندترین شخصیت سیاسی ترکیه تبدیل شده است. قدرت او را می‌توانیم مدیون احیای وضعیت اقتصادی ترکیه و و ارتقای جایگاه بین‌المللی این کشور در مناسبات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دانست. و به همین دلیل، این موفقیت‌ها اردوغان را تبدیل به رهبری کرده است که نمی‌خواهد اریکه قدرت را رها کند (اقبال، ۱۳۹۴).

اقدامات حزب عدالت و توسعه از سال ۲۰۱۰ به بعد باعث شد تا این حزب از اصول دموکراتیک به صورت مقطعی فاصله بگیرد. ابتدا این حزب برای کاستن از دامنه نفوذ ارتش و خنثی‌سازی خطر کودتا و همچنین مقابله جدی با احزاب اپوزیسیون، رفراندوم ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۰ مصادف با شهریور ۱۳۸۹ را طرح‌ریزی کرد که با رأی مثبت مردم به این همه‌پرسی، دست حزب عدالت و توسعه را برای انجام اصلاحات کلان در ساختاری سیاسی و قانون اساسی ترکیه باز گذاشت. موفقیت حزب عدالت و توسعه در این همه‌پرسی، مقدمات تبدیل شدن این حزب به حزب فراگیر ترکیه را فراهم کرد.

گردش نخبگان در دوران کمالیست‌ها و حزب سفید

از نظر تاریخی، ساختار قدرت در ترکیه به گونه‌ای نظام یافته که دو کانون متفاوت و متعارض قدرت یعنی اسلام‌گرایی و کمالیسم غیردینی، منازعه و هم‌زیستی غیر مسالمت‌آمیزی با هم داشته‌اند. در درون جامعه، ارزش و اهمیت آتاتورک به اندازه‌ای بوده که تبدیل به ایدئولوژی «کمالیسم» شده است. هدف اصلی وی تثبیت راهبرد و روش سکولاریسم، حذف

تدریجی اسلام و تطبیق آن با دولت مدرن بود. بر اساس میراث کمالیسم بود که مذهب در ترکیه برای مدت طولانی به‌عنوان نماد حکومت‌های سنتی در نظر گرفته شد. در همان حال، تفکر ضد دینی خط تمایزی بین روشنگری و تحجر و بین توسعه و محافظه‌کاری شد. مکتب لایسیسم، مذهب را خارج از محدوده جامعه و یک امر شخصی می‌دانست و آن‌ها اسلام را عین عقب‌ماندگی‌های اقتصادی، سیاسی و مذهبی دانستند (ساعی و محمدزاده، ۱۳۹۲: ۴۵). با این تعریف به راحتی می‌توان به این واقعیت دست یافت که در دوران آتاتورک هیچ حزب و گروه اسلام‌گرایی نمی‌توانست در ساختن و مدیریت ترکیه نوین پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی مشارکت جوید. در واقع آتاتورک می‌کوشید از طریق اصلاحات مبتنی بر آموزه‌های سکولار، هویت نوین ترک را با تمدن اروپایی در آمیزد (یاووز، ۱۳۹۱: ۵۴). این روند را اسلاف پس از آتاتورک هم ادامه دادند و حتی با وجود اصلاحات در سیستم سیاسی ترکیه و تبدیل نظام تک‌حزبی به چند حزبی که پیش از این مورد اشاره قرار گرفت، کودتاهای ۱۹۶۰، ۱۹۷۱، ۱۹۸۰ و ۱۹۹۷ مانع اجرای صحیح گردش نخبگان و مشارکت احزاب اسلام‌گرا شده بودند.

حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه بر خلاف سایر احزاب اسلامی پیشین به‌ویژه حزب رفاه نجم‌الدین اربکان بیشتر رویکرد محافظه‌کارانه دارد تا به‌عنوان یک حزب مذهبی خود را به نمایش بگذارد. این حزب با ارائه تفسیر لیبرال از مذهب و ترکیب اسلام و سکولاریسم با یکدیگر تفسیری متفاوت از حکومت‌داری به سبک کمالیست‌ها را ارائه داد. در واقع این حزب در ابتدا گریزی نداشت از همسازی با دکتربین کمالیستی، که قائل به ترکیب هیچ جنبه از مذهب در سیاست نبودند. اما در طی زمام‌داری بیش از یک دهه حزب عدالت و توسعه بر صحنه سیاسی ترکیه به‌گونه‌ای هنرمندانه و به واسطه بهبود اوضاع اقتصادی و ارتقای جایگاه بین‌المللی این کشور توانست حمایت اقشار ناسیونالیسم، لائیک و مذهبی را جلب کند و به حزب غالب تبدیل شود. اما تداوم این برتری و حکومت بیش از یک دهه بر این سرزمین، زمینه‌ساز روحیه اقتدارگرایی اردوغان و هم‌فکران او شد تا پس از تثبیت جایگاهشان، پروژه حذف رقیبان و یا تضعیف آن‌ها را کلید بزنند. بنابراین بازداشت هزاران نفر به اتهام مشارکت در کودتای نافرجام ۲۰۱۶ و تعلیق فعالیت‌های برخی رسانه‌ها به دنبال آن و منتسب کردن آن‌ها به فتح‌الله گولن و یا بازداشت صلاح‌الدین دمیرتاش، رهبر حزب دموکراتیک خلق‌ها (HDP) در ۴ نوامبر ۲۰۱۶ به بهانه همکاری با «پ.ک.ک.» از جمله نمونه‌هایی است که نشان می‌دهد حزب عدالت و توسعه

در تلاش برای حفظ قدرت، حذف رقیبان و تضعیف نظام چند حزبی و گردش نخبگانی این کشور است که در این راستا اقدام دولت برای برگزاری همه‌پرسی ۲۰۱۷ که در ادامه مورد مذاکره بیشتر قرار خواهد گرفت، قابل تأمل است.

اما پیش از ورود به مبحث همه‌پرسی ۲۰۱۷ قانون اساسی و تأثیر منفی آن بر سیستم گردش نخبگان در این کشور، ضروری است به طور مختصر به موضوع ارتباط تحولات اخیر خاورمیانه و سیاست خارجی نه‌چندان سازنده ترکیه در مدیریت این بحران‌ها و تأثیری که بر تضعیف جایگاه و اهمیت گردش نخبگان در این کشور داشته، پردازیم.

بحران‌های خاورمیانه، دوران زوال تنش‌زدایی در عرصه خارجی و داخلی

حزب عدالت و توسعه قبل از آغاز بحران در خاورمیانه توانسته بود، با کشورهای عرب همسایه خود مثل سوریه اختلافات خود را به حداقل برساند و روابط دیپلماتیک و اقتصادی را به سطح بالایی افزایش دهد. اما سیاست خارجی این حزب در قبال تحولات به وقوع پیوسته در منطقه غرب آسیا به ویژه در عراق و سوریه باعث شد، سیاست‌های تنش‌زدایی عدالت و توسعه که نتیجه متفکران سیاست خارجی یعنی احمد داوود اغلو بوده را کنار بگذارد و به طور مستقیم در امور سوریه و عراق دخالت کند. این دخالت‌ها باعث شد تا بحران سوریه از سطح ملی فراتر رود و به سطوح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای افزایش یابد.

سیاست‌های تخصیص جویانه حزب عدالت و توسعه در قبال سوریه باعث شد تا اعتراضات داخلی به این رفتار اردوغان و سایر رهبران حزب عدالت و توسعه افزایش یابد. یکی از اقلیت‌ها که از معترضان اصلی حزب عدالت و توسعه نسبت به رفتار تخصیص‌جویانه حزب عدالت و توسعه بودند، اقلیت کرد ساکن در این کشور هستند. یکی از دستاوردهای مثبت حزب عدالت و توسعه، آغاز مذاکرات صلح با کردها به عنوان یک اقلیت مهم و تأثیرگذار با جمعیتی حدود ۲۰ میلیون نفر است. این مذاکرات که از سال ۲۰۰۹ آغاز شده بود در ۲۰۱۲ به صلحی موقت بین دولت و پ.ک.ک.ک.ک. انجامید. اما عمر این صلح بسیار کوتاه بود و در ۲۰۱۵ این صلح شکننده، ملغی اعلام شد و دو طرف یعنی دولت و پیشمرگه‌های پ.ک.ک.ک.ک. دست به سلاح بردند و راهکار نظامی را جایگزین مذاکرات و راه‌حل‌های سیاسی کردند (Cook, 2017: 45).

با استناد به رفتارهای تناقض‌آمیز حزب سفید با سیاست تنش‌زدایی در قبال تحولات

سوریه و کردها در داخل باعث شده است، تا این حزب تمایلات زیادی به تبدیل شدن به یگانه حزب صاحب قدرت در این کشور داشته باشد. و برای این کار به اتهام‌زنی و محکومیت فعالیت‌های احزاب «پ.ک.ک» و HDP مبادرت ورزیده است. تمامیت‌خواهی این حزب آن‌چنان زیاد است که حاضر نبود با سایر احزاب اپوزیسیون نظیر HDP و یا CHP پس از انتخابات ۷ ژوئن ۲۰۱۵ ائتلاف کند و برای ادامه یکه تازی و تشکیل دولت بدون ائتلاف با سایر احزاب، انتخابات پارلمانی دوباره در نوامبر همان سال برگزار شد، که حزب سفید در این انتخابات توانست پیروز شود و به اهداف خود یعنی فراهم کردن مقدمات لازم برای تبدیل نظام سیاسی ترکیه از پارلمانی به ریاستی و همچنین بازنگری در قانون اساسی ترکیه که تاحدودی میراث‌دار بنیان‌گذار ترکیه بوده است روی بیاورد. در واقع همه‌پرسی قانون اساسی ۲۰۱۷ ترکیه تکمیل‌کننده پروژه اردوغان برای تداوم قدرتش در مقام یک رهبر مقتدر است که در ادامه این همه‌پرسی تحلیل می‌شود و تأثیر آن را بر شکست تئوری گردش نخبگان این بار توسط حزب عدالت و توسعه بررسی خواهد شد (Aliriza, 2017).

همه‌پرسی ۲۰۱۷ و تقویت حکومت دیکتاتوری نخبگان و تضعیف نظام گردش نخبگان

نظام سیاسی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه از برخی جهات با هم متفاوت هستند. مهم‌ترین تمایز آن پایبندی تمامی احزاب و گروه‌ها در نظام‌های توسعه‌یافته، به اصول دموکراتیک و تلاش این گروه‌ها برای حفظ این رویه در هر مقطع زمانی برای کشورشان هستند. اما در کشورهای در حال توسعه، وضعیت مشابه کشورهای توسعه‌یافته وجود ندارد. گردش نخبگان به صورت شفاف و واقعی بدون هیچ‌گونه تخصمی در میان احزاب از اصول اولیه نظام‌های سیاسی باز است. این گردش نخبگان در اکثر کشورهای با نظام سیاسی باز توسط انتخابات و سایر رویه‌های دموکراتیک صورت می‌گیرد و حزب حاکم به هیچ‌وجه به دنبال حذف سایر گروه‌های معترض و رقیب نیست. اما در کشورهای در حال توسعه، حزبی که توسط رویه دموکراتیک به قدرت رسیده است بعد از سپری کردن مدت زمانی، کاملاً رودر روی این رویه دموکراتیک قرار می‌گیرد و از تمامی ابزارهای تحت اختیار خود استفاده می‌کند تا گروه‌های دیگر را ضعیف یا در نهایت حذف کند.

همه‌پرسی ترکیه در ۷ ژوئن ۲۰۱۷ (۲۷ فروردین ۱۳۹۶)، رخدادی مهم در تحولات سیاسی ترکیه به شمار می‌رود. چون تبدیل نظام پارلمانی به ریاست جمهوری، رویایی بود که اردوغان در صدد تحقق بخشیدن به آن بوده است. ولی محقق کردن آن برای اردوغان در طی این سال‌هایی که یا در مقام ریاست جمهوری و یا در مقام نخست وزیر قرار داشته است، محقق کردن این هدف کار آن‌چنان آسانی نبوده. بنابراین این همه‌پرسی به نفع اردوغان رقم خورد تا بتواند قانون اساسی که توسط کمالیست‌ها و ارتش تدوین گشته بود، را به کل تغییر دهد.

پس از تأیید همه‌پرسی، نظام یکپارچه ریاست جمهوری اردوغان عملاً زمانی تثبیت خواهد شد که او توسط انتخابات به ریاست جمهوری برسد. و با این حال نظام پارلمانی فعلی ادامه خواهد داشت و همچنان نخست‌وزیر تا سال ۲۰۱۹ به کار خود ادامه می‌دهد. و تا آن‌زمان دیگر اصلاحات قانون اساسی انجام خواهد شد. تا این که انتخابات پارلمانی، محلی و ریاست جمهوری ترکیه به صورت همزمان در نوامبر ۲۰۱۹ انجام گیرد (Aliriza, 2017).

این همه‌پرسی با نتیجه ۵۱,۴ درصد رأی آری شهروندان ترکیه‌ای، به پیروزی برای خواسته‌های حزب عدالت و توسعه تبدیل شد. اما این پیروزی بسیار شکننده‌تر از چیزی است که اردوغان انتظار آن را داشت در واقع این نتیجه راه را برای اعمال خواسته‌ها و تحقق اهداف اردوغان توأم با ریسک بالا و مخاطره‌آمیز کرده است.

دولت عدالت و توسعه در ترکیه سعی کرده است تحت سایه ایجاد حالت فوق‌العاده پس از کودتای نافرجام اخیر، شهروندان این کشور را به پای صندوق‌های رأی برای همه‌پرسی اصلاحات قانون اساسی و تغییر نظام حاکمیتی ترکیه بکشاند تا بتواند بهترین نتیجه را از این انتخابات به دست آورد و آرمان‌گرایی‌های تمامیت‌خواهانه اردوغان را تحقق بخشد. فضای موجود در عرصه داخلی و بین‌المللی تا حد زیادی برای رأی دادن افکار عمومی ترکیه به نفع جریان حاکم مساعد نبوده، همین موضوع است که باعث شده حزب عدالت و توسعه و دولت کنونی این کشور از تمامی پتانسیل خود برای جذب افکار عمومی و جلب نظر آنها جهت موافقت با اصلاحات قانون اساسی استفاده کند. آنها سعی دارند این تفکر را القا کنند که ترکیه در سایه قانون اساسی جدید، باثبات و قدرت بازدارندگی بیشتری بر ضد توطئه‌های داخلی و خارجی وارد عمل خواهد شد (Kiri ci, 2017).

اوضاع اقلیت‌های کرد و دیگر اقلیت‌های دینی و قومی، نگرانی‌های روزافزون در زمینه

آزادی مطبوعات و آزادی‌های مختلف جامعه مدنی، ترسیم سیاست‌های داخلی ترکیه و غیره در عرصه سیاسی ترکیه مطرح است. تحلیل‌گران داخلی و بین‌المللی همواره نسبت به بی‌توجهی حزب عدالت و توسعه به آزادی‌های مدنی نگرانند. یکی از ابعاد این نگرانی را می‌توان در نقض آزادی مطبوعات مشاهده کرد که به عامل نگرانی عادی در ترکیه تبدیل شده است (shaheen, 2017: 34).

بر اساس طرح اصلاح شده قانون اساسی، حاکمیت دستگاه اجرایی کشور از نخست‌وزیر به رئیس‌جمهور منتقل می‌شود. همچنین رئیس‌جمهور کنونی که دوران ریاستش در سال ۲۰۱۹ به پایان می‌رسد، امکان کاندیداتوری برای دو دوره دیگر را نیز پیدا می‌کند. به این ترتیب اردوغان می‌تواند تا سال ۲۰۲۹ خود را در منصب ریاست جمهوری ترکیه حفظ کند.

تصویب اصلاحات قانون اساسی در همه‌پرسی مردمی که با رأی بیش از نیمی از مردم امکان پذیر می‌شود، باعث زیر سوال رفتن استقلال دستگاه قضایی ترکیه خواهد شد، چرا که طبق قانون جدید، رئیس‌جمهوری می‌تواند رییس عالی‌ترین نهاد قضایی متشکل از قضات و دادستان‌ها را شخصا منصوب کند. همچنین رییس‌جمهوری قادر خواهد بود ۱۲ نفر از ۱۵ عضو دادگاه قانون اساسی بلندپایه‌ترین مرجع ارجاع قضایی کشور را تعیین کند. این در حالی است که این دادگاه مسئولیت نظارت بر عملکرد رئیس‌جمهور را بر عهده دارد (Shaheen, 2017: 5). همچنین ضعیف بودن نهادهای نظارتی و پارلمانی ترکیه آنجا مشخص می‌شود که برای ارجاع پرونده تخلف احتمالی رئیس‌جمهوری و نقض قانون توسط او از سوی پارلمان به دادگاه قانون اساسی، امضای دست کم ۴۰۰ نماینده نیاز است، رئیس‌جمهور در هر زمانی که بخواهد، می‌تواند پارلمان را منحل کند. تصویب نهایی همه‌پرسی قانون اساسی در ترکیه به روند دموکراتیک این کشور آسیب خواهد زد و ساختار سیاسی احزاب مختلف را با مشکل مواجه خواهد کرد. به این ترتیب اعتبار ترکیه به عنوان یک دولت دموکراتیک در عرصه بین‌الملل به تدریج خدشه‌دار خواهد شد (Shaheen, 2017: 11).

رفراندوم اخیر می‌تواند ثبات سیاسی و آینده دموکراسی در این کشور را با خطر مواجه سازد. در واقع بنابر تعبیر پارتو نخبگان حاکم در مقابل فرآیند گردش نخبگان و انتقال قدرت از یک قشر نخبه به سایر نخبگان از خود مقاومت نشان می‌دهند و برای حفظ آن به سرکوب و ایجاد رعب و وحشت میان توده‌ها روی می‌آورند. در واقع نظام‌های سیاسی مبتنی بر گردش

نخبگان، نظام‌هایی دارای سیستم سیاسی مبتنی بر رقابت نخبگان هستند. و نخبگان غیرحاکم تمامی فعالیت‌ها اعم از سیاست داخلی، اقتصادی و مناسبات بین‌المللی نخبگان حاکم را رصد می‌کنند تا زمانی که حزب حاکم در این موارد عملکرد صحیحی نداشته باشد خیلی فوری عکس‌العمل نشان می‌دهند و برای تضعیف نخبگان حکومتی او را به واسطه عملکرد ضعیفی که انجام داده است به چالش می‌کشند و برای کسب قدرت به مقابله با حزب و یا گروه‌های حاکم روی می‌آورند و با هدف کسب موفقیت و رسیدن به هدف و مقصود مطلوب خود، اقدام به تبلیغات گسترده می‌کنند و سایر جریان‌ات، گروه‌های مختلف اجتماعی و توده‌های مردم را با خود همراه می‌سازند (ادوارد و این‌مون، ۱۳۷۷: ۱۴۵).

وضعیت فعلی در ترکیه، گویای این واقعیت است که حزب عدالت و توسعه طی گذشت سال‌های اخیر تمایل شدیدی به تک‌قطبی کردن فضای سیاسی ترکیه دارد. و از تمامی ابزارهایی در اختیار خود برای رسیدن به این هدف استفاده کرده است. نمونه آن رفتار رهبران عدالت و توسعه بعد از کودتای نافرجام ۲۰۱۶ با مخالفان است که پس از این کودتا شروع به متهم ساختن جریان‌ات و احزاب مخالف و منتقدان دولت نظیر حزب جمهوری خلق، حزب دموکراتیک خلق‌ها و هم‌چنین پ.ک.ک. و منتسب کردن این کودتا به مخالفان دولت همچون فتح‌الله گولن و جریان گولنیسم کرده است. در کل همه‌پرسی قانون اساسی ترکیه طی سال‌های آینده می‌تواند تأثیرات منفی و ناامن‌کننده‌ای برای امنیت داخلی ترکیه داشته باشد و آینده دموکراسی‌اسیون در این کشور را ابهام‌آمیز سازند.

بر اساس گزارش‌های بانک جهانی، ترکیه از لحاظ شاخص‌های ثبات سیاسی در رده ۱۷۶ در سال ۲۰۱۵ قرار داشته است (Kiri ci, 2017: 37). بنابراین همه‌پرسی ترکیه از دو جنبه می‌تواند بسترساز اتفاقات مهمی پیش‌روی ترکیه شود. یکی تأثیر این همه‌پرسی بر اقلیت‌های موجود در ترکیه و دومی نحوه تعامل حزب عدالت و توسعه با احزاب مخالف است.

الف - همه‌پرسی ترکیه و مساله اقلیت‌های قومی / مذهبی

اقلیت‌های بسیاری در ترکیه ساکن هستند که هر کدام از این اقلیت‌ها به محض این که فضای سیاسی ترکیه ملتهب می‌شود و یا تغییراتی در ساختار سیاسی ترکیه روی می‌دهد، نگرانی عمده‌ای را برای آن‌ها ایجاد می‌کند. اقلیت‌های ترکیه به دو دسته علوی‌ها و کردها تقسیم بندی

می‌شوند. علاوه بر این دو اقلیت، اعراب به عنوان اقلیت کوچک در این کشور و در استان پرمناقشه هاتای ساکن هستند.

همه‌پرسی ۱۶ آوریل ۲۰۱۷ (۲۷ فروردین ۱۳۹۶) در شرایطی برگزار شد، که وضعیت فوق‌العاده در این کشور توسط رئیس‌جمهور اردوغان پس از کودتای نافرجام ۲۰۱۶ برقرار شد. پس از آن کودتا نگاه دولت به اقلیت‌ها و جریان‌ها با سوءظن همراه شد. در واقع این کودتا دلیلی بود تا دولت بخش مهمی از جامعه ترکیه را به دست داشتن در کودتا متهم کند. و به همین دلیل باعث شد تا دولت تعداد قابل توجهی از کارمندان ادارات دولتی، دفاتر پلیس و همچنان نیروهای ارتش را اخراج کند. با دستگیری صلاح‌الدین دمیرتاش رئیس‌حزب دموکراتیک خلق‌ها تنها حزب کردی در ترکیه که در پارلمان این کشور حدود ۱۰ درصد کرسی‌ها را به خود اختصاص داده، آینده ثبات و مشارکت سیاسی کردها را با چالش مواجه ساخته است. در واقع کودتای همه‌پرسی ترکیه در فضایی کامل متأثر از کودتای اخیر برگزار شد. هر چند در این همه‌پرسی اکراد به رأی مثبت داده‌اند، اما درگیری‌های متعدد دولت عدالت و توسعه با پ.ک.ک و حزب دموکراتیک خلق‌ها و همچنین اقتدار طلبی اردوغان، نوید دورانی پر آشوب و پرچالشی را بعد از همه‌پرسی می‌دهد که به خصوص بعد از این که از سال ۲۰۱۹ این قانون اساسی جدید به اجرا درآید و دست دولت را برای سرکوب اکراد باز می‌گذارد (Cook, 2017: 35).

در همه‌پرسی اخیر، اکراد محافظه‌کار اسلامی که کاملاً با اندیشه‌های ناسیونالیستی پ.ک.ک مخالف بودند به آن ردی مثبت دادند و از حامیان اردوغان به حساب می‌آیند. ولی تمامی اکراد ساکن ترکیه محافظه‌کار به حساب نمی‌آیند و به صورت مداوم از دولت مرکزی توقع برآورده شدن مطالبات خود را دارند. مطالباتی همچون؛ احیای وضعیت اقتصادی، بهبود شرایط سیاسی و احترام گذاشتن به هویت کردی و پذیرش این هویت از طرف دولت و سایر احزاب ملی‌گرا. هر چند وضعیت کردها طی سال‌های اخیر و در دوران دولت عدالت و توسعه بهبود یافته است، اما با نگاهی به رفتارهای اخیر اردوغان می‌توان به این مهم دست یافت که نحوه برخورد حزب عدالت و توسعه گزینشی، آن چنان در چارچوب اصول دموکراتیک نبوده است. رفتارهایی همچون بازداشت روزنامه‌نگاران و فعالان مدنی کرد و همچنین تشدید درگیری‌های مسلحانه با پ.ک.ک به بهانه انجام چندین عملیات تروریستی در مناطق مهم و

مختلف کشور. بنابراین با این همه‌پرسی نه تنها وضعیت مدنی اقلیت کرد بهبود نخواهد یافت بلکه با این امتیازات و اختیاراتی که اصلاحات جدید قانون اساسی به رئیس‌جمهور داده است می‌تواند شرایط سیاسی اجتماعی این اقلیت بسیار مهم و غیر قابل چشم‌پوشی را وخیم‌تر سازد. علوی‌ها، به عنوان یک اقلیت دینی در زمان امپراتوری عثمانی مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند و بعد از فروپاشی امپراتوری عثمانی و تشکیل یک دولت لائیک توسط آتاتورک، خشنود گشته‌اند. هر چند در این دوران حقوق آن‌ها مورد تعرض قرار گرفته است، اما این وضعیت برای آن‌ها مساعدتر از گذشته است. علویان حدود ۱۵ میلیون از بافت جمعیتی ترکیه را تشکیل می‌دهند. این گروه اقلیتی همواره وفادار به احزاب ملی‌گرا بوده‌اند به ویژه حزب جمهوری‌خواه خلق و از احزاب اسلامی به هیچ‌وجه حمایت نکرده‌اند. زیرا تجربه خوبی از حکومت اسلامی ندارند و نظام سیاسی سکولار مبتنی بر ملی‌گرایی را ضامن امنیت مالی و جانی علویان می‌دانند. این اقلیت دینی همواره در ادوار مختلف انتخاباتی از حزب جمهوری‌خواه خلق (CHP) حمایت کرده است. هر چند حزب عدالت و توسعه طی این مدتی که زمام امور را در دست داشته حقوق مدنی، اجتماعی و وضعیت اقتصادی این اقلیت را مورد تعرض قرار نداده اما عدم حمایت از احزاب اسلامی از جانب علویان به یک سنت دیرینه تبدیل شده است (اقبال، ۱۳۹۴: ۶۷).

این اقلیت تأثیرگذار در همه‌پرسی اخیر رأی "منفی" به آن داده و مورد تأیید آن‌ها نبوده است. پس از این همه‌پرسی و تضعیف قدرت ارتش در امور داخلی و سیاسی، این احتمال وجود دارد تا اردوغان به سمت نوعی انتقام‌گیری و اقدامات تلافی‌جویانه مبادرت ورزد و مشکلاتی را برای این اقلیت و سایر اقلیت‌ها به وجود آورد. مشکلاتی از قبیل ایجاد موانع مختلف در امور اقتصادی، انجام فرایض دینی و همچنین سایر مسایل سیاسی اجتماعی به وجود آورد. در واقع با بررسی شخصیت و رفتارهای اردوغان می‌توان او را فردی مقتدر یا اقتدارطلب انگاشت که اگر هر فرصتی را به دست آورد از منتقدان و مخالفانش انتقام می‌گیرد. او فردی است که مخالفان داخلی خود را دشمن ترکیه می‌نامد. در واقع او این‌گونه به ملت ترکیه القا می‌کند که اگر هر حزبی و یا شخصی با دولت وی به مخالفت و دشمنی بپردازد از باور او دشمن پیشرفت اقتصادی ترکیه و امنیت ترکیه است که سرکوب تظاهرات پارک "گری" در میدان تقسیم استانبول و انتقاد اردوغان از این تظاهرات و نسبت دادن آن به مخالفانش قابل تأمل است.

ب- همه‌پرسی ترکیه و نگاه حزب عدالت و توسعه به اپوزیسیون

جابجایی مسالمت‌آمیز میان نخبگان سیاسی در یک جامعه باز سیاسی از مهم‌ترین اصول نظام گردش نخبگان است. در واقع این مهم از ویژگی‌های بارز یک نظام سیاسی پویاست. ولی در نظام‌های سیاسی که دموکراسی نیم‌بند در آن‌ها حاکم است، سیستم گردش نخبگان متزلزل به نظر می‌رسد (Lenczowski, 1979: 3). در ترکیه سال‌هاست که حزب عدالت و توسعه قدرت را در دست دارد. در واقع زمام‌داری قدرت در طول این سال‌ها در این کشور برای اردوغان و سایر سیاستمداران حزب عدالت و توسعه، نوعی احساس غرور و اقتدار طلبی به وجود آورده است. در ترکیه احزاب بسیاری در همه‌پرسی اخیر از این حزب حمایت نکرده‌اند. احزابی همچون حزب جمهوری خواه خلق، حزب دموکراتیک خلق‌ها و همچنین مهم‌تر از همه برخی احزاب اسلامی و لیبرال مانند حزب سعادت، حزب وطن و حزب همبستگی بزرگ از مخالفان این همه‌پرسی بودند. در واقع وجود چنین مخالفانی باعث می‌شود تا اردوغان به هیچ‌وجه احساس ثبات برای پیش بردن اهدافش در تغییر ساختار سیاسی ترکیه نداشته باشد (تحلیل نگارنده).

بعد از همه‌پرسی و واگذاری اختیارات بیشتر به رئیس‌جمهور، اردوغان با وضعیت دوگانه‌ای در مقابل احزاب مواجه خواهد شد. یعنی این که احزاب باید خود را تسلیم تصمیمات رئیس‌جمهور اردوغان کنند و یا این که همچنان به مخالفت‌ها و اعتراضات خود ادامه دهند. اگر اولی اتفاق افتد و تسلیم خواسته‌ها و تصمیمات اردوغان و حزب متبوع او شوند، در این صورت جامعه ترکیه به سمت دیکتاتوری اردوغان پیش خواهد رفت و در عمل گردش نخبگان در ترکیه با شکست مواجه خواهد شد و به استبداد نخبگان حاکم تبدیل می‌شود (تحلیل نگارنده).

اما اگر احزاب اپوزیسیون وضعیت موجود را نپذیرند، اردوغان دو راه پیش روی خود خواهد داشت: یا این که با احزاب مخالف تعامل کند و آن‌ها را در آینده سیاسی ترکیه مشارکت دهد، و در غیر این صورت به سمت تقابل با احزاب مخالف روی خواهد آورد که در صورت تحقق راه کار اول می‌توان به حفظ ثبات سیاسی و دموکراسی در این کشور امیدوار بود اما اگر این راه کار کارگر نیفتد، تقابل با احزاب نتیجه منفی را برای آینده ترکیه به بار خواهد آورد. در واقع اتفاقاتی همچون افزایش تنش دولت با کردها و گروه‌های ملی‌گرا به وقوع خواهد پیوست که امنیت ترکیه را دگرگون و متزلزل خواهد ساخت. نا امن شدن فضای سیاسی ترکیه به طور مستقیم بر روی اعتبار بین‌المللی، سرمایه‌گذاری خارجی و آینده رشد اقتصادی

ترکیه تأثیر منفی خواهد گذاشت. به طور کلی پاشنه آشیل حزب عدالت و توسعه، بهبود وضعیت اقتصادی ترکیه، طی سال‌های زمام‌داری این حزب بوده است و با ناامن شدن فضای سیاسی ترکیه، به طور حتم صنعت گردشگری این کشور آسیب خواهد دید و از دامنه سرمایه‌گذاری‌های خارجی و داخلی در این کشور کاسته خواهد شد و به دنباله آن با تشدید رفتار خصومت‌آمیز دولت با اقلیت‌ها و جریانات سیاسی اپوزیسیون خطر تجزیه، بیشتر از گذشته ترکیه را تهدید خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

همه‌پرسی ترکیه فصلی نو در تحولات داخلی ترکیه در عرصه سیاسی از زمان قدرت گرفتن حزب عدالت و توسعه از ۲۰۰۲ به این سو به حساب می‌آید. این همه‌پرسی از دو جنبه قابل بررسی است: یکی تأثیر این تحولات بر ثبات سیاسی و دیگری تأثیر آن بر آینده دموکراسی شکننده در این کشور مهم منطقه‌ای است. نتیجه همه‌پرسی ترکیه برای حزب حاکم عدالت و توسعه به ویژه اردوغان نتیجه‌ای نیست که تسهیل‌کننده تحقق اهداف مدنظر اردوغان باشد. در واقع نیمی از رأی دهندگان جواب منفی به این همه‌پرسی داده‌اند که اردوغان باید در تمامی زمینه‌ها سایه سنگین این آرای منفی را در نظر داشته باشد.

در ترکیه سال‌هاست که قدرت در قبضه یک حزب و یک شخصیت است. که این وضعیت با روح تئوری گردش نخبگان در تضاد است. در واقع در ترکیه با وجود این که دموکراسی نیم‌بند و شکننده حاکم است و همین حزب عدالت و توسعه توانسته است از همین نوع دموکراسی حداکثر استفاده سیاسی را ببرد، بعد از همه‌پرسی، همین دموکراسی نیم‌بند در معرض اضمحلال قرار گرفته است. این همه‌پرسی اختیارات وسیعی همچون؛ تمدید ریاست جمهوری اردوغان تا ۲۰۲۹ و همچنین نفوذ وی در دستگاه قضایی و پارلمان کشور را به او هدیه داده است. که آینده ثبات سیاسی و دموکراسی در این کشور را با چالشی جدی مواجه خواهد ساخت.

حزب عدالت و توسعه که در حوزه‌های داخلی و خارجی در طی سال‌های اخیر موفق عمل کرده است و همین دستاوردهای مثبت منبع اصلی قدرت دولت عدالت و توسعه به حساب می‌آیند. اما چیزی که به خوبی واضح است و از خصایص اردوغان به شمار می‌رود، اقتدار طلبی

و انحصار طلبی اوست. یعنی او فقط قدرت را برای حزب عدالت و توسعه می‌خواهد. و نتیجه این همه‌پرسی شرایطی را فراهم کرده است تا او بتواند بر مرکب قدرت بنشیند و یکه‌تازی کند و هر گونه مانع و چالشی را به طرق مختلف از سر راه خود بر خواهد داشت. با پیروزی او در این همه‌پرسی شرایط برای تضعیف سایر احزاب مخالف و اقلیت‌هایی که با او سر سازش ندارند فراهم شده است. هر چند امروزه در ترکیه دیگر اثری از دیکتاتوری کمالیست‌ها نیست ولی با این همه‌پرسی دوران جدیدی از دیکتاتوری آغاز گشته است که این بار یک حزب اسلامی نقش آن را بازی خواهد کرد. بنابراین همه‌پرسی قانون اساسی را می‌توان مقدمه‌ای بر پایان دوران گردش نخبگان در سیستم متزلزل دموکراتیک ترکیه دانست. و همچنین می‌توانیم فراهم کننده پایان دوران چند صدایی و آغاز دوران تک صدایی در صحنه سیاسی ترکیه دانست و یا این که این وضع می‌تواند به مثابه هشدار و بستر ساز شرایط بازگشت آرام چهره خشن سکولاریسم از نوع کمالیستی تحت لوای دین باشد.

منابع

الف - فارسی

- اقبال، اسماعیل، (۱۳۹۴)، «علل پیروزی حزب عدالت و توسعه در انتخابات اخیر ترکیه»، در:
- «<http://demo.cmess.ir/View/tabid/127/ArticleId/2796.aspx> (دسترسی در ۲ شهریور ۱۳۹۶).
- آکتم، کرم، (۱۳۹۵)، *دیروز و امروز یک ملت ترکیه از ۱۹۱۹ تا امروز*، ترجمه سید احمد موثقی و شیوا علی‌زاده، تهران: دنیای اقتصاد.
- آذر، ادوارد، این‌مون، چونگ، (۱۳۷۷)، «ابعاد نرم‌افزاری امنیت ملی: مشروعیت، انسجام و ظرفیت سیستم سیاسی»، ترجمه گروه امنیت ملی، *مجله سیاست دفاعی*، بهار، سال هشتم، شماره ۲۲.
- بشیریه، حسین، (۱۳۷۴)، *دولت عقل: ده گفتار در فلسفه و جامعه‌شناسی سیاسی*، تهران: علوم نوین.
- دوورژه، موريس، (۱۳۸۷)، *بایسته‌های جامعه‌شناسی سیاسی*، ترجمه ابوالفضل قاضی شریعت پناهی، چاپ سوم، تهران: میزان.
- روحانی، حسن، (۱۳۸۰)، «امنیت عمومی، امنیت ملی و چالش‌های فراروی»، *فصلنامه راهبرد، تابستان*، شماره ۲۰.
- ساعی، احمد، محمدزاده مرتضی، (۱۳۹۲)، «حزب عدالت و توسعه و هژمونی کمالیسم»، *فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی*، پائیز و زمستان، دوره ۶، شماره ۲.
- قاسمی، علی‌اصغر، ابراهیم‌آبادی، غلامرضا، (۱۳۹۰)، «نسبت هویت ملی و وحدت ملی در ایران»، *فصلنامه راهبرد، خرداد*، سال بیستم، شماره ۵۹.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۹)، *چالش‌های توسعه سیاسی*، تهران: قومس.
- موثقی، سید احمد، (۱۳۸۰)، «بررسی تجربه‌ی نوسازی فرهنگی و سیاسی در ترکیه در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۵۰-۱۹۲۰»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، دوره ۵۲، تابستان، شماره ۱.
- ملکوتیان، مصطفی، غلامی‌نیا، عبدالحمید، (۱۳۹۴)، «چارچوب نظری گردش نخبگان سیاسی شایسته و تأثیر آن بر ثبات سیاسی»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۵، بهار، شماره ۱.
- کیا کجوری، کیانوش، (۱۳۹۵)، «موانع شکل‌گیری دولت توسعه‌گرا در جمهوری اسلامی

ایران، تهران: انتشارات آزاد اندیشان.

- ولی‌زاده، حیدر، (۱۳۹۴)، «ضرورت گردش نخبگان»، *روزنامه بهار* شماره ۳۱، شهریور ۱۳۹۴، شماره ۴.
- یاووز، م. هاکان، (۱۳۹۱)، «سکولاریسم و دموکراسی در ترکیه»، ترجمه احمد عزیزی، تهران: نی.

ب- انگلیسی

- Hanson, Bradford, (2015), [Vilfredo Pareto: The Karl Marx of Fascism], <http://nationalvanguard.org/2015/11/vilfredo-pareto-the-karl-marx-of-fascism/>, (accessed on: 14 November 2015).
- Bottomore, Tom, (1993), *Elites and Society*, London: Routledge.
- OTHOW AKONGDIT, ADDIS ABABA, (2013), *Impact of Political Stability on Economic Development: Case of South Sudan*, Bloomington: Author House.
- Allan, R. Ball, (1993), "*Modern Politics and Government*", London: MacMillans.
- Aliriza, Bulent, (2017), [After the Referendum], <https://www.csis.org/analysis/after-referendum>, (accessed on: 8 MAY 2017).
- Kiri ci, Kemal, (2017), [Referendum results risk further polarization in Turkey], <https://www.brookings.edu/blog/order-from-chaos/2017/04/17/referendum-results-risk-further-polarization-in-turkey/>, (accessed on: 17 April 2017).
- shaheen, kareem, (2017), [Turkish referendum: all you need to know] <https://www.theguardian.com/world/2017/apr/10/turkish-referendum-all-you-need-to-know>, (accessed on: 20 April 2017).
- Cook, Steven, (2017), [Five myths about Turkey], https://www.washingtonpost.com/opinions/five-myths-about-turkey/2017/03/17/0bfa9206-0546-11e7-ad5b-d22680e18d10_story.html?utm_term=.26a0169d18a8 (accessed on: 17 March 2017)
- George Lenczowski, (1979), *Political Elite in the Middle East*, Washington, D. C, American Enterprise Institute, Third Printing;